



بررسی گرافیک شهری با مباحث اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر بی تفاوتی سیاسی شهروندان

فرامرز رضایی^۱، محمدعلی چیت‌ساز^{۲*}، شاپور بهیان^۳

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران faramarzrezaee2014@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران mo.ali.chetsaz1398@gmail.com

^۳ استادیار جامعه‌شناسی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران sh.behyan@mau.ac.ir

چکیده

گرافیک شهری یکی از مقوله‌های مهم در شکل‌دهی به فضای اجتماعی و سیاسی باشد. دولت‌ها و جوامع می‌کوشند تا از حداکثر مشارکت سیاسی شهروندان خود برخوردار شوند. روی دیگر، بی‌تفاوتی سیاسی است که می‌تواند به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر شود. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ بود. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی و از نظر هدف نیز پژوهشی کاربردی بود. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز (۸۰۰ هزار نفر) بودند که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر تعیین و با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که اعتبار آن از طریق اساتید مورد بررسی قرار گرفت (اعتبار صوری) و پایایی آن نیز با آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۴) به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های آماری همبستگی و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS ۲۴ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد جنسیت، دینداری (اعتقادی، پیامدی، مناسکی، عاطفی، تجربی)، گرایش به هویت ملی، اعتماد اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی با بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معنی‌داری دارند و فقط سن با بی‌تفاوتی سیاسی فاقد رابطه بود. نتایج رگرسیون نیز نشان داد مجموع متغیرهای مورد بررسی توانستند به میزان $R^2 = 0.38$ واریانس متغیر بی‌تفاوتی سیاسی را تبیین نمایند.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت تأثیر گرافیک شهری بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی.

۲. بررسی بی‌تفاوتی سیاسی و دینداری در شهروندان.

سؤالات پژوهش:

۱. جایگاه گرافیک شهری در ترسیم فضای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه چیست؟

۲. چه عواملی در بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان تأثیر دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۲۳۹ الی ۲۵۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

بی‌تفاوتی سیاسی،

گرافیک شهری،

گرایش به هویت ملی،

احساس عدالت اجتماعی.

ارجاع به این مقاله

رضایی، فرامرز، چیت‌ساز، محمدعلی، بهیان، شاپور. (۱۴۰۱). بررسی گرافیک شهری با مباحث اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۲۳۹-۲۵۸.



[doi.net/dor/20.1001.1.1735708,1401,19,45,9](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.251689.1325)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.251689.1325

مقدمه

گرافیک شهری از مقوله‌های مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران ساختارهای سیاسی است. توجه دولت‌ها به زندگی و زیست اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی شهروندان از یک سو و توجه و اهمیت شهروندان به امورات کشور همواره بحث جدی در ارتباط شهروندان و جوامع بوده است. توجه شهروندان به سرنوشت جامعه خویش نماینگر جامعه توسعه یافته و تجلی اجتماع مدنی است. در واقع حساسیت مردم به امورات مختلف جامعه از قبیل پیشرفت، عدالت، آموزش، سیاست و در یک کلام توسعه در مفهوم مشارکت قرار دارد. در مقابل مشارکت، بی تفاوتی قرار دارد. بی تفاوتی به نوعی از رفتارهای منفعل و بی تفاوت‌گرایانه شهروندان اطلاق می‌شود که نسبت به امورات و سرنوشت جامعه خویش حالت سکوت و یا نوعی بی تفاوتی از خود بروز می‌دهند بی تفاوتی سیاسی ناظر بر نوعی از رفتارها و اقدامات منفعل و خنثی نسبت به واقع سیاسی و اجتماعی است که فرد توجه جدی از خود نشان نمی‌دهد. به طور مختصر، بی تفاوتی نوعی فقدان عاطفه احساس و عاطفه نسبت به محیط زندگی و عدم درگیری در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است. بی تفاوتی یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نمود یافته و می‌تواند به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر شود با شتاب تغییرات اجتماعی و پیچیدگی بیشتر نظام‌های سیاسی و افزایش توقعات شهروندان از دستگاه سیاسی در سایه رشد رسانه‌های جمعی میزان توجهات و فعالیت‌های سیاسی شهروندان با افت و خیر همراه بوده است چنانچه حتی جوامع توسعه یافته‌ای مانند اروپا نیز با نوعی افزایش بی تفاوتی سیاسی در شهروندان مواجه شده است. جلوه‌ها و صور بی تفاوتی سیاسی می‌تواند به شکل‌های مختلف عدم مشارکت در انتخابات، عدم حساسیت به سرنوشت جامعه، بی توجهی به منافع ملی، عدم اهمیت به نصایح حاکمان و ... باشد. بنابراین بی تفاوتی سیاسی دامنه گسترده‌ای از مسایل سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. یکی از بارزترین جلوه‌های مشارکت اعضای جامعه را می‌توان در رأی‌گیری‌ها و انجام انتخابات سراسری جستجو کرد (Tavasoli, ۲۰۰۳). در واقع، مشارکت در انتخابات و رأی دادن از مؤلفه‌های اساسی کنش سیاسی شهروندان محسوب می‌شود. مشارکت مستلزم دخالت موثر در ارکان مختلف جامعه، به موقع و فراگیر و عمیق شهروندان در اداره جامعه خویش است (Kitaniva, ۲۰۱۹). مشارکت سیاسی نیز عبارت است از هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی محلی یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد (Pay, Et. al, ۲۰۰۲). شواهد متعددی نشان می‌دهند کشورهایی که مشارکت و رهبری فعال شهروندان در جوانب مختلف اداره سیاسی کشور دارند، پاسخگوتر، مساوی طلب و دموکراتیک‌تر هستند. به تعبیر هانتینگتون (۱۹۹۶) نیز میزان توجه شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آن مرز تفاوت جوامع سنتی و مدرن است (Marina, ۲۰۱۹). ریشه‌ها و علل کاهش مشارکت سیاسی شهروندان گوناگون و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. مطالعات نشان می‌دهند دینداری و مذهب عامل مهمی در مشارکت سیاسی است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان

می‌دهند افراد حتی اگر به هیچ مذهبی هم تعلق نداشته باشند باز سعی می‌کنند خود را وابسته به سازمان و نهادهای دینی معرفی کنند عدالت اجتماعی نیز عاملی است که برخی مطالعات نشان داده‌اند چنانچه افراد احساس عدالت اجتماعی داشته باشند بیشتر در امورات جامعه خود فعال بوده و نقش بیشتری ایفا می‌کنند. اعتماد اجتماعی نیز به رابطه دو طرفه شهروندان و جامعه مربوط می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند چنانچه اعتماد اجتماعی افراد نسبت به جامعه خود بیشتر باشد افزایش مشارکت اجتماعی را می‌توان متصور بود. هویت نیز به عنوان مفهومی سیال و پیچیده می‌تواند در مشارکت و یا منفعل بودن رفتارهای افراد تأثیرگذار باشد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند چنانچه افراد دارای هویت ملی قوی و وطن پرست‌تر باشند و به طور کل به هویت خود حس زیادی داشته باشند بیشتر در امورات مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه شرکت می‌کنند کیفیت زندگی نیز به طور کل مربوط به زیستن افراد همراه با رفاه در ابعاد مختلف آن است. برخی تحقیقات نشان می‌دهند افراد برخوردار از کیفیت زندگی بالا بیشتر نسبت به امورات جامعه مدنی خود حساس‌تر و مشارکت بیشتری دارند سن و جنسیت نیز متغیرهای دیگری هستند که مورد توجه پژوهشگران بوده است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند سن و جنسیت با میزان رفتارهای سیاسی و مشارکت رابطه دارند (Et. al, ۲۰۱۵; Elmi, ۲۰۰۸; & Mohebi).

چنانکه بر اساس آخرین دوره برگزاری مجلس شورای اسلامی (دوره یازدهم) میزان مشارکت سیاسی ایرانیان کمتر از نصف یعنی ۴۲ درصد بوده است که نسبت به ده دوره اخیر کمترین میزان مشارکت بوده و نوعی بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان قلمداد می‌شود (Hamshahri Onlin, ۲۰۲۰). شهر اهواز نیز به عنوان مرکز استان خوزستان یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران و یکی از استراتژیک‌ترین مناطق ایران از لحاظ سیاسی و اجتماعی هست. در این شهر ترکیب اقوام، مذاهب و گرایش‌های سیاسی متفاوتی رواج دارد و این وضعیت هویت‌های گوناگونی را به وجود آورده است. از دیرباز نقش سیاسی و مشارکت این شهر همواره رو به افزایش بوده است. به طوری که در دهه‌های اولیه انقلاب اسلامی همواره جزء بالاترین رفتارهای مشارکتی - سیاسی بوده است اما در سالیان اخیر مشارکت رفتارهای سیاسی دچار نوسانی شده و نوعی بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان رقم خورده است. چنانچه میزان مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی حدود ۴۲ درصد بوده است (Asre Iran, ۲۰۱۹) که این موضوع قابل مطالعه علمی و یک ضرورت است. مرور پیشینه موضوع نشان می‌دهد در کشورمان اگرچه تحقیقات نسبتاً متعددی در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی انجام گرفته اما مطالعات بی‌تفاوتی سیاسی بسیار اندک بوده و خلا پژوهشی بشمار می‌رود. اندک تحقیقات موجود تنها رابطه دو و یا سه متغیر و عمدتاً متغیرهای جمعیت شناختی را مورد توجه قرار داده‌اند. اما نوآوری پژوهش حاضر این است تا حد امکان با مطالعه پیشینه مطالعات قبلی و ادبیات نظری متغیرهای بیشتری در ارتباط با بی‌تفاوتی سیاسی رصد نموده است که در تحقیقات قبلی به صورت منسجم وجود ندارند. بنابراین هدف اصلی بررسی عوامل موثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ می‌باشد. فرضیات پژوهش حاضر عبارتند از: ۱. به نظر می‌رسد بین دینداری و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. ۲. به نظر می‌رسد بین هویت ملی و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. ۳. به نظر می‌رسد بین اعتماد

اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. ۴. به نظر می‌رسد بین احساس عدالت اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. به نظر می‌رسد بین رضایت از کیفیت زندگی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. ۵. به نظر می‌رسد بین سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز وجود دارد. ۶. به نظر می‌رسد بین جنسیت و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز تفاوت وجود دارد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون تحقیق مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال تحقیقاتی پیرامون بی تفاوتی سیاسی انجام شده است. (Et. al. (۲۰۱۹) & Rezapour) در پژوهشی نتیجه گرفتند بین بی تفاوتی اجتماعی (بی تفاوتی اجتماعی از بعد احساسی) و زمینه اجتماعی بی تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. بین بی تفاوتی سیاسی (بی تفاوتی سیاسی از بعد احساسی و شناختی) و زمینه اقتصادی بی تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. بین بی تفاوتی اجتماعی (بی تفاوتی اجتماعی از بعد احساسی و رفتاری) و زمینه فرهنگی بی تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین بی تفاوتی اجتماعی (بی تفاوتی سیاسی از بعد احساسی و رفتاری) و زمینه سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. (Mohammadi (۲۰۱۸) & Jahangiri) در پژوهشی نتیجه گرفتند از میان مؤلفه‌های امید سیاسی، اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، اعتقاد به مشروعیت حکومت و خوش بینی به سیاست‌گذاری‌ها، در مجموع ۱۵ درصد تغییرات بی تفاوتی دانشجویان نسبت به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را تبیین می‌کنند بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با مشارکت سیاسی شهروندان قم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین هرچه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی عنصر آگاهی باکیفیت‌تر، به هنگام‌تر و اجرایی‌تر باشد، می‌تواند موجب افزایش مشارکت سیاسی شهروندان در سطحی بالاتر شود. (Keshavarz (۲۰۱۵) & Negin Taji) در پژوهشی با عنوان رابطه عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی موثر بر مشارکت سیاسی جوانان، نتیجه گرفتند بین رسانه‌های جمعی، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی، سیاسی بودن دوستان و سیاسی بودن خانواده با مشارکت سیاسی جوانان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین مشارکت سیاسی جوانان بر حسب وضعیت تأهل و محل سکونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق حاضر توصیفی-همبستگی و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر زمانی نیز پژوهشی مقطعی است. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ بودند که بر اساس آخرین سرشماری رسمی آمار تعداد آن‌ها حدود ۸۰۰ هزار نفر بوده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر حاصل شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (ابتدا کل شهر به چهار ناحیه تقسیم شد. سپس به تصادف یک ناحیه انتخاب شد و تمام پرسش‌شوندگان هدف) مورد پرسش قرار گرفتند. شایان ذکر است برای کم کردن ریزش احتمالی نمونه ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت با مخدوش بودن ۲۰ مورد در نهایت ۳۸۰ پرسشنامه سالم مورد تحلیل قرار گرفت. ابزار پژوهش شامل ۱- پرسشنامه محقق ساخته بی تفاوتی سیاسی: این پرسشنامه دارای ۲۸ گویه می‌باشد و بر اساس طیف ۵ قسمتی لیکرت به صورت (خیلی زیاد، ۵، زیاد، ۴، تا حدودی، ۳، کم، ۲، و خیلی کم (۱) نمره گذاری و سعی شد

ترکیب سوالات به صورت مثبت و منفی در نظر گرفته شود. دامنه نمرات آن بین ۲۸ تا ۱۴۰ است که حد نمره بین ۲۸ تا ۵۸ بی تفاوتی سیاسی کم، دامنه بین ۵۸ تا ۸۸ متوسط و بین ۱۱۸ تا ۱۴۰ سطح بی تفاوتی سیاسی زیاد می‌باشد.

۲- پرسشنامه استاندارد دینداری گلاک و استارک (۱۹۶۵) این پرسشنامه دارای ۲۶ گویه است و از ۵ بعد (مناسکی، تجربی، اعتقادی، فکری و پیامدی) به سنجش دینداری افراد می‌پردازد. شیوه نمره گذاری آن بین ۰ تا ۴ است. نمرات ۰ تا ۲۶ بیانگر دینداری ضعیف ۲۶، تا ۷۸ نشان دهنده دینداری متوسط و دامنه ۷۸ تا ۱۰۴ بیانگر دینداری بالا می‌باشد. این پرسشنامه در ایران مورد استفاده پژوهشگران بوده است. سراج زاده (۱۳۷۸) پایایی آن را حدود ۸۰ برای کل پرسشنامه گزارش کرده است. عبدی و رضایی (۱۳۹۳) نیز سطح اعتبار آن را مطلوب گزارش کرده اند -۳. پرسشنامه عدالت اجتماعی: این پرسشنامه داری ۲ بعد عدالت رویه‌ای و توزیعی و ۱۵ گویه است و بر اساس طیف لیکرت سنجیده می‌شود. در پژوهش هزار جریبی (۱۳۹۰) اعتبار این گویه‌ها مورد تایید بوده است. برای سنجش متغیر هویت ملی گرفته شد. ابعاد هویت ملی شامل هویت تاریخی، سیاسی و فرهنگی بود. اعتماد اجتماعی: (با دو شاخص اعتماد غیررسمی و اعتماد رسمی با ۸ گویه) و برای سنجش رضایت از کیفیت زندگی شاخص رضایت از سلامتی، رضایت از دوستان و خانواده و رضایت از وضعیت مالی با ۸ گویه) در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده‌اند. برای اعتبار پرسشنامه از روایی صوری و توزیع مقدماتی استفاده شد و برای پایایی ابزار نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد جدول (۱). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون‌های همبستگی و رگرسیون) از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد.

جدول ۱: آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

میزان آلفا	تعداد گویه	ابعاد	متغیرها
Alpha	Number of items	Dimensions	variable
۰/۹۰	۲۸	۲	بی تفاوتی سیاسی
۰/۸۸	۲۶	۴	دینداری
۰/۸۲	۸	۳	هویت ملی
۰/۷۲	۸	۲	اعتماد اجتماعی
۰/۸۶	۱۵	۳	احساس عدالت اجتماعی
۰/۷۵	۱۴	۳	رضایت از زندگی

۰/۸۴	کل پرسشنامه
------	-------------

۱. گرافیک شهری و فضای اجتماعی و اقتصادی

ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چون مجموعه‌ای درهم تنیده هستند. گرافیک شهری با تکیه بر هنر گرافیک و عناصر بصری به جهت رنگ، شکل و ترکیب بندی در جهت طراحی شهری به پیشینه‌ها و سنت‌های محکم این مرزبوم دست یابد گرافیک امروزه بیشتر بر پایه ضوابط غربی و بین‌المللی تکیه دارد، در حالی که اگر ترکیب هنر بوم و نوگرایی باشد موفق تر است. لذا ضرورت دارد که طراحان مسئولان و مخصصان آن را به گونه‌ای طراحی کنند که شرایط زندگی و زیستن در آن همواره از نظم و منطق زیبایی لازم برخوردار باشد. طرح‌های جهانی مملو از علائم و نشانه‌ها و دیگر عناصر گرافیکی آموزش‌دهنده و اطلاع‌رسان است (آراسته، ۱۳۹۳: ۱). با این تفاسیر بازشناسی دقیق ظرفیتهای موجود در گرافیک شهری و کاربری آنها در حوزه سیاستگذاری می‌تواند نقشی تعیین کننده در ترسیم ایده آل‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشد.

گرافیک شهری، بخشی از هنر سازمان دادن فضای شهری است که با رشته‌های مختلف علمی و هنری مانند برنامه‌ریزی شهری، معماری و منظرسازی، گرافیک و غیره است. در این میان، رنگ با هدف ایجاد ارتباط تصویری مناسب میان شهروندان می‌تواند در موارد بسیاری از جمله نماهای ساختمانها، آب نماها، علائم رانندگی، طراحی مکانی، علائم هشدار، علائم اطلاع رسانی و .. به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقش مهمی داشته باشد. در گرافیک شهری، اغتشاش و ناهمگونی بصری رنگی، بی توجهی به ارزشهای تاریخی و کالبد هویتی و فرهنگ یک شهر در طراحی بخشهای گوناگون آن، تداخل عملکردها و .. سبب شکل‌گیری فضاهای ناخوشایند برای کار و زندگی میشود. به منظور جلوگیری از این اغتشاشات بصری رنگی در گرافیک محیطی یک شهر باید هر دو سوبه عینی و ذهنی آن یعنی شهر، ساختار و کالبد شهری که کارکرد اقتصادی آن، فضاهای عمومی و غیره و نیز عامل ذهنی یعنی گروه‌های اجتماعی و توقعات و مطالبات آنها، وضعیت شهروندی، گروه‌های همگن و نظایر آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد (صلواتی، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۲). بنابراین می‌توان از گرافیک شهری به عنوان عاملی فعال در برنامه‌ریزی استفاده کرد.

۲. دیدگاه‌های نظری بی تفاوتی سیاسی

۲.۱. گابریل آلموند و سیدنی وربا

در طول تاریخ در نظام کشورهای جهان سوم نوعی فرهنگ پدید آمده که مانع از پیشرفت توسعه سیاسی می‌شود. می‌توان با بهره‌گیری از مکانیسم‌هایی چون بالا بردن سطح سواد و توزیع مجدد ثروت به تدریج آثار سوء را از میان برد تا افراد برای پذیرش مسئولیت‌ها و ایفای نقش سیاسی جدید و نیز وارد کردن در فرایند تصمیم‌گیری آماده ساخت . (Ghavam, ۲۰۱۱) آلموند و وربا سه نوع فرهنگ سیاسی را مطرح کرده‌اند: فرهنگ سیاسی کوتاه‌بینانه که با آگاهی اندک از حکومت و انتظارات اندک مشخص می‌گردد؛ فرهنگ سیاسی ذهنی با میزان آگاهی و انتظار بالاتر اما میزان مشارکت اندک و فرهنگ مشارکتی با میزان آگاهی، انتظارات و مشارکت زیاد مشخص می‌گردد (Rush, ۲۰۱۱) و

دل‌زدگی سیاسی که در شهروندان تابعی از یک نوع فرهنگ سیاسی است که از وضع توسعه، کیفیت زندگی، اعتماد به آن نظام سیاسی و همچنین سطحی از عدالت اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. شهروندانی که اطلاعات خوبی دارند، به توانایی‌های خود بر اعمال نفوذ بر دیگران اعتماد دارند، یا مراتب امور سیاسی هستند، یا خود را موظف به مشارکت می‌دانند، از فرصت‌هایی که برای مشارکت جستن وجود دارد، استفاده می‌کنند (Almond, ۲۰۰۰). آلموند اجتماعی شدن سیاسی را یکی از سه کارکرد درون‌دادها در نظام سیاسی در جهت اثبات و تعادل سیستم در نظر می‌گیرد و فرهنگ سیاسی را نتیجه اجتماعی شدن سیاسی می‌داند و تجربه به‌دست‌آمده در طول این فرایند است که مهارت‌های لازم را برای تعامل سیاسی در افراد به وجود می‌آورد و افراد را به مشارکت فعال در نظام سیاسی تشویق می‌نماید سه عامل منابع (شامل وقت، پول و مهارت‌های سازمانی)، عوامل روانی فعالیت سیاسی (علاقه شدید به سیاست، دانش سیاسی) و شبکه عضوگیری (عضویت در سازمان‌های داوطلبانه، محل کار) فعالیت سیاسی را تسهیل می‌کند. (Barkan, ۱۹۹۸).

۲.۲. ساموئل هانتینگتون

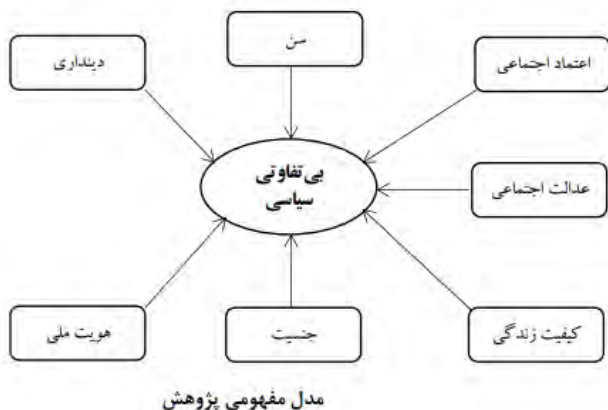
مشارکت سیاسی امری عینی و مجزا از نگرش‌های ذهنی فرد است و در تجزیه و تحلیل عواملی که مشارکت سیاسی را تشکیل می‌دهند باید به وضعیت نظام سیاسی جامعه توجه کرد. در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی به‌طور اعم و مشارکت سیاسی به‌طور اخص، فی‌نفسه هدف محسوب نمی‌شود. به این معنا که نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی یا اصلاحات اجتماعی یا کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، مشارکت^۳ بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند یا اینکه چون توسعه اقتصادی و اجتماعی فرصت‌های تحرک اقتصادی و اجتماعی را بیشتر می‌کند و به ایجاد طبقه متوسط منجر می‌شود که بنابراین ظهور این طبقه جدید با افزایش خواست مشارکت‌جویی همراه است (Rabiee, ۲۰۰۱). یعنی با کاهش نابرابری (بی‌عدالتی اجتماعی) و افزایش رفاه اجتماعی (رضایت از زندگی)، تعلق سیاسی مردم نیز افزایش می‌یابد. هانتینگتون وجود بحران‌های سیاسی و نابسامانی‌ها (شکاف طبقاتی، بی‌ثباتی اقتصادی، افت کیفیت زندگی شهروندان، بحران هویت ملی، تضعیف سرمایه سیاسی - اجتماعی و باورهای مذهبی) در جوامع در حال توسعه را در رابطه تنگاتنگ با تقاضای مشارکت از یک‌سو و فقدان نهادهای سیاسی برای جذب مشارکت‌ها از سوی دیگر می‌داند. دگرگونی‌های اجتماعی، شهرنشینی، بالا رفتن سطح سواد، آموزش، صنعتی شدن، توسعه وسایل ارتباط جمعی دامنه آگاهی سیاسی را افزایش می‌دهد و خواسته‌های سیاسی را چند برابر می‌سازد و پهنه اشتراک سیاسی را وسعت می‌بخشد (Huntington, ۲۰۱۰).

۲.۳.۲. مار تین لیپست

با افزایش سطح توسعه اقتصادی (افزایش کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، کاهش بی‌اعتمادی)، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می‌شود؛ دسترسی همگان به بهداشت و آموزش بیشتر می‌شود و سطح برابری در مصرف (عدالت اجتماعی) افزایش می‌یابد؛ تعداد موضع کمکی زیاد می‌شود و به دنبال آن طبقه متوسط نیز گسترش می‌یابد. این‌ها همه موجب می‌شوند که تقاضای اکثریت برای افزایش آزادی سیاسی و تفویض قدرت سیاسی در جامعه تقویت و تشدید شود (Chalabi, ۲۰۱۰). میان توسعه سیاسی (به معنای دموکراسی) و عوامل اجتماعی و اقتصادی همبستگی وجود دارد. وی برخی از کشورها را برحسب شاخص‌های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که نظام‌های سیاسی عقب‌مانده و توسعه‌یافته بر مبنای این شاخص‌ها با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند (Bashiriye, ۲۰۰۱).

۳. دیدگاه‌های نظری دینداری

دین و کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن از دیرباز مد نظر صاحب نظران بوده است. برای نمونه دورکیم دین را عامل همبستگی اجتماعی دانسته است (Hamelton, ۲۰۱۳). در دیدگاه دورکیم دین نه تنها در همبستگی اجتماعی و روابط اجتماعی غیرقابل انکار است بلکه در حل و فصل و مشکلات اجتماعی، در ایجاد یگانگی و در معنویت که در جامعه بوجود می‌آورد نیز قابل توجه است. به علاوه دین موجبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود (Tavassoli, ۲۰۰۴). از نظر مارکس، اعتقادات مذهبی شکل عمیق از خود بیگانگی انسان است. یعنی وضعیتی که در آن مردم کنترل خود را در دنیای اجتماعی که خود ایجاد کرده‌اند، از دست می‌دهند و در نتیجه آن خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه بیگانه Alienation می‌یابند (Robertson, ۱۹۹۸). وبر آن را تأثیر گذار بر روابط اجتماعی و سیاسی و زنجیره اعتماد بین دانسته است (Panahi & Shaygan ۲۰۰۷). در دید لاکمن نیز دین در یک جامعه ایستا و مرئی که حالت نهادی پیدا کرده باشد، همواره کارکردی انسجام بخش دارد. اما اگر جامعه با سرعت دچار تغییر و دگرگونی شود کارکرد دین نهادی شده اغلب تغییر یافته و ممکن است انواع باورهای دینی که هنوز نهادینه نشده‌اند به موازات دین نهادی شده به وجود آیند (Tavassoli, ۲۰۰۴). بر اساس آرای نظری می‌توان مدل مفهومی پژوهش را به شرح زیر دانست:



۴. یافته‌های تحقیق

الف- یافته‌های توصیفی

در نمونه آماری ۶۶/۵۲ درصد پاسخگویان مرد و ۳۴/۴۷ درصد دیگر خانم بودند ۳۳/۴۵. درصد مجرد و ۶۷/۵۴ درصد متأهل بودند. بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۲۶-۳۰ سال (۶۶/۱۶) و کمترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۶۰ سال به بالا (۵۰/۲) بودند. از نظر تحصیلات ۷۶ (نفر معادل ۲۰) درصد (بی سواد ۹۵، نفر معادل ۲۵) درصد دارای دیپلم ۶۲ (نفر معادل ۳۱/۱۶) درصد (کاردانی ۱۲۰، نفر معادل ۶۹/۳۱) درصد) کارشناسی و ۲۷ نفر معادل ۷) درصد) دارای مدرک دکتری بودند. در جدول (۲) شاخص‌های مرکزی و میانگین متغیرها ذکر شده است.

جدول ۲. شاخص‌های مرکزی متغیرهای پژوهش

Component status وضعیت مؤلفه					Descriptive indicators شاخص‌های توصیفی		متغیرهای پژوهش research variables
خیلی بالا Very high	high	medium	low	Very low	SD	mean	
	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	انحراف معیار	میانگین	
۱۶/۳۳	۱۹/۶۶	۴۱/۸۳	۱۳	۹/۱۶	۰/۸۸	۳/۲۱	اعتماد اجتماعی
۱۶/۸۳	۲۳/۶۶	۳۸/۳۳	۱۰/۳۳	۱۰/۸۳	۰/۸۹	۳/۲۵	گرایش به هویت ملی
۱۲/۵	۲۰	۴۷/۵	۱۱/۶۶	۸/۳۳	۰/۸۹	۳/۱۶	رضایت از کیفیت زندگی

۱۵/۳۳	۲۰/۸۳	۳۵/۶۷	۱۵	۱۳/۷۷	۰/۸۹	۳/۱۰	عدالت اجتماعی
۲۴/۳۳	۲۰/۳۴	۳۴/۱۷	۱۵/۳۳	۵/۸۳	۱/۰۹	۳/۴۳	بی تفاوتی سیاسی
۱۰/۳۴	۲۷/۲۸	۳۹/۲۹	۱۳/۰۰	۱۰/۱۰	۱/۱۱	۳/۳۵	دینداری

۱۰/۳۴ ۲۷/۲۸ ۳۹/۲۹ ۱۳/۰۰ ۱۰/۱۰ ۱/۱۱ ۳/۳۵

بر اساس نتایج جدول (۲) میانگین متغیرهای اصلی پژوهش بر حسب دامنه نمرات بین ۱ تا ۵ نشان می‌دهد بی تفاوتی سیاسی بیشترین میانگین (۴۳/۳) و کمترین مربوط به عدالت اجتماعی (۱۰/۳) است.

ب. یافته‌های استنباطی

پیش از بررسی فرضیه‌ها، برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون آماری کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که نتایج در جدول (۳) ارائه شده‌اند.

جدول ۳: آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش (کولموگروف - اسمیرنوف)

آزمون کولموگروف - اسمیرنوف		متغیر
Kolmogorov-Smirnov test		
سطح معناداری	Z	variable
۰/۱۹۷	۰/۱۱۳	بی تفاوتی سیاسی
۰/۲۶۴	۰/۱۴۹	دینداری
۰/۲۳۴	۰/۲۲۴	هویت ملی
۰/۱۲۹	۰/۱۴۶	کیفیت زندگی
۰/۱۶۷	۰/۱۱۱	اعتماد اجتماعی
۰/۱۰۱	۰/۱۳۳	احساس عدالت اجتماعی

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد چون سطح معناداری همه متغیرهای پژوهش بالاتر از $p > 0.05$ است می‌توان نتیجه گرفت توزیع داده‌ها نرمال است. برای بررسی فرضیه (۱) از آزمون T مستقل استفاده شده است که نتیجه آن در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین بی تفاوتی سیاسی به تفکیک جنسیت

جنسیت	میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
gender	Mean		DF	Sig
مرد	۳/۱۵	۵/۳۹	۵۹۸	۰/۰۰۰
زن	۳/۷۱			

بر اساس نتیجه خروجی جدول (۴) مقدار t محاسبه شده ۳۹/۵ و از سوی دیگر مقدار t جدول با درجه آزادی ۵۹۸ برابر ۹۶/۱ هست، بنابراین چون قدر مطلق t محاسبه شده بیشتر از t جدول هست پس می توان ادعا کرد که در سطح معناداری ۰۵/۰ و با ۹۵٪ فاصله اطمینان، بی تفاوتی سیاسی در بین دو گروه زن و مرد متفاوت است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است. از سوی دیگر سطح معناداری از ۰۵/۰ کمتر بوده و می توان با ۹۵٪ اطمینان فرض تحقیق را تأیید کرد. در نهایت می توان گفت که بی تفاوتی سیاسی در بین پاسخگویان زن بیشتر از پاسخگویان مرد است. برای بررسی سایر فرضیات از آزمون همبستگی استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج ضریب همبستگی حاصل از آزمون پیرسون

نتیجه فرضیه	معناداری	مقدار پیرسون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
result of hypothesis	Sig	R pearson	dependent variable	independent variable
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۳۵		بعد اعتقادی دین داری
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۲۶		بعد پیامدی دین داری
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۳۳		بعد مناسکی دین داری
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۲۴		بعد عاطفی دین داری
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۳۴		بعد تجربی دین داری
تأیید	۰/۰۰۰	-۰/۲۹		دینداری کل

گرایش به هویت ملی	-۰/۳۷	۰/۰۰۰	تأیید
اعتماد اجتماعی	-۰/۴۱	۰/۰۰۰	تأیید
احساس عدالت اجتماعی	-۰/۴۴	۰/۰۰۰	تأیید
رضایت از کیفیت زندگی	-۰/۳۳	۰/۰۰۰	تأیید
سن	-۰/۱۲	۰/۰۹۱	رد

۱۲/۰- ۰/۰۹۱ رد

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد بین دو متغیر دینداری و بی تفاوتی سیاسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد -۲۹/۰. همچنین تمام مولفه های دینداری نیز با بی تفاوتی سیاسی دارای رابطه هستند. از میان ابعاد دینداری بعد اعتقادی دینداری با میزان همبستگی -۲۳۵/۰ = و بعد عاطفی دینداری -۲۲۴/۰ = به ترتیب بیشترین و کمترین همبستگی با بی تفاوتی سیاسی دارند. نتیجه فرضیه گرایش به هویت ملی و بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تایید شد. میزان همبستگی دو متغیر -۲۳۷/۰ = حاصل شد بدین معنا هرچه گرایش هویت ملی بالاتر باشد بی تفاوتی سیاسی کمتر است. نتیجه فرضیه بعدی وجود رابطه بین اعتماد اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز مورد تایید واقع شد. میزان همبستگی بین دو متغیر -۲۴۱/۰ = حاصل شد. در واقع می‌توان گفت هرچه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان بیشتر باشد بی تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود. بین دو متغیر احساس عدالت اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز رابطه معناداری حاصل شد. میزان همبستگی دو متغیر -۲۴۴/۰ = حاصل شد. به عبارتی هرچه احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بی تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود. بین سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشد. با توجه به سطح معناداری که بیشتر از پنج درصد بود می‌توان گفت که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. در نهایت فرضیه وجود رابطه بین رضایت از کیفیت زندگی و بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تایید شد. میزان همبستگی دو متغیر -۲۳۳/۰ = حاصل شد. بر این اساس، هرچه رضایت از کیفیت زندگی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بی تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود. در ادامه برای بررسی پیش‌بینی اثر متغیرهای مستقل بر متغیر ملاک (بی تفاوتی سیاسی) از رگرسیون همزمان استفاده شده است. ابتدا جهت بررسی استقلال تمامی داده‌ها از آزمون دوربین- واتسن بر روی باقیمانده‌ها انجام گرفت که مقدار بسیار نزدیک به ۲ برای آن ۹۶/۱) مطابق جدول (۶) نشانگر نبود. همبستگی بین داده‌های متوالی است و مورد تأیید است. همچنین تحلیل واریانس رگرسیون که نشان دهنده استقلال خطاهاست، برای تمامی مدل معنادار و برابر ۹۸/۲۱ می‌باشد. همچنین عدم همخطی چندگانه توسط دو شاخص عامل تورم واریانس و تولرانس مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مقادیر عامل تورم واریانس و تولرانس در پائین‌تر از دامنه مشخص شده (مقادیر کمتر از ۱۰ شاخص عامل تورم واریانس و مقادیر کمتر از ۱ برای شاخص

تولرانس، برای تشکیل مدل مناسب می باشند. بنابراین هم خطی میان میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. با عنایت به مجموع بررسی‌های انجام شده، می توان تناسب داده‌ها را برای اجرای مدل رگرسیونی مناسب و نتایج به دست آمده را معتبر دانست.

جدول ۶. رگرسیون چندگانه: پیش‌بینی متغیر بی تفاوتی سیاسی

متغیرهای مستقل	B	β	t	sig	VIF	Tol	D.W
مقدار ثابت	۰/۲۹۱	-	-۲/۹۵	۰/۰۰۴	۱/۲۷	۰/۷۸۵	
احساس عدالت اجتماعی	۰/۴۰۴	-۰/۴۴۲	-۳/۴۷	۰/۰۰۰	۲/۲۵	۰/۸۴۶	
اعتماد اجتماعی	۰/۴۴۴	-۰/۴۲۲	-۳/۹۸	۰/۰۰۰	۲/۸۷	۰/۷۷۳	
گرایش به هویت ملی	۰/۳۳۳	-۳/۹۶	-۲/۵۷	۰/۰۰۰	۲/۴۴	۰/۷۷۶	
بعد اعتقادی دین‌داری	۰/۳۲۱	-۳/۷۶	-۳/۸۸	۰/۰۰۰	۲/۷۷	۰/۲۷۸	
بعد مناسکی دین‌داری	۰/۳۴۱	-۳/۵۵	-۲/۹۷	۰/۰۰۰	۲/۸۵	۰/۴۲۵	۱/۸۸
بعد تجربی دین‌داری	۰/۳۰۵	-۳/۲۲	-۲/۲۰	۰/۰۰۱	۱/۸۹	۰/۳۵۶	
بعد پیامدی دین‌داری	۰/۲۰۲	-۲/۸۸	-۲/۱۸	۰/۰۰۲	۱/۷۸	۰/۲۳۶	
بعد عاطفی دین‌داری	۰/۱۸۸	-۲/۱۲	-۱/۹۹	۰/۰۰۲	۱/۵۴	۰/۲۲۰	
رضایت از کیفیت زندگی	۰/۳۱۷	-۳/۳۰	-۲/۳۳	۰/۰۰۱	۲/۲۵	۰/۵۱۴	
	$R = ۰/۳۸$	$R = ۰/۶۲$	$t = ۲۱/۹۸$	$F = ۲۱/۹۸$			

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد تمامی مؤلفه‌های مدل، دارای مقادیر t بیشتر از ۲ و مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰۵/۰ هستند؛ بنابراین این متغیرها پیش‌بینی کننده بی تفاوتی سیاسی شهروندان هستند. در این مدل قوی‌ترین پیش‌بینی کننده، متغیر احساس عدالت اجتماعی است که مقدار تأثیر آن برابر -۰/۴۴۲ است -۰/۴۴۲ β = متغیر پیش‌بینی دیگر اعتماد اجتماعی با -۰/۴۲۲ β = است و کم‌ترین پیش‌بینی کننده نیز بعد عاطفی دین‌داری $\beta = ۰/۲۱۲$ است. لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با بی تفاوتی سیاسی نسبتاً قوی -۰/۶۲ R = است.

در نهایت مجموع متغیرهای پژوهش توانستند به میزان ۳۸/۰ تغییرات متغیر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز را تبیین کنند.

نتیجه‌گیری

مشارکت و درگیری فعال شهروندان یک کشور در نظام سیاسی، می‌تواند زمینه توسعه آن را فراهم کند. در نقطه مقابل، بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان نیز می‌تواند مانع تحقق توسعه جامعه باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی عوامل موثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز بود. یافته‌ها نشان داد بین جنسیت و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان تفاوت وجود دارد بدین معنا که بی‌تفاوتی سیاسی در نزد زنان بیشتر از مردان است. این یافته با پژوهش‌هایی مانند محبی و همکاران (۲۰۱۶)؛ فرهمند و همکاران (۲۰۱۶)؛ سیدامامی (۱۳۸۶) و ایمان و مقدس (۱۳۸۱) که نتیجه گرفته بودند بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ همسو است. در این تبیین این رابطه باید گفت زنان عموماً بیشتر در خانه هستند و کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت دارند. یک دلیل می‌تواند این باشد که در نمونه پژوهش حضور زنان کم سواد نسبتاً زیاد بود (۲۱/۰) این می‌تواند یکی از دلایل اصلی باشد که آنان کمتر در فعالیت‌های سیاسی شرکت کرده‌اند. همچنین باید اشاره کرد به طور کل در فرهنگ عرب از زنان انتظار کمتری می‌رود در امورات سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشند اگرچه پژوهش حاضر ترکیبی از زنان اقوام مختلف از جمله عرب شهر اهواز بودند لذا می‌توان نتیجه گرفت بی‌تفاوتی سیاسی در نزد آنان بیشتر باشد. نتیجه فرضیه رابطه بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی تایید نشد. به عبارتی بین دو متغیر رابطه معناداری مشاهده نشد. این زاین نتیجه با یافته‌های محبی و همکاران (۲۰۱۵) و فرهمند و همکاران (۲۰۱۶) که نتیجه گرفتند بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد مغایرت دارد. در این مورد می‌توان گفت نمونه مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال و از گروه‌های سنی مختلف بودند که بیشتر در گروه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ بودند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت گروه‌های سنی میانه به خاطر شور و هیجان کمتر و درگیری بیشتر با زندگی روزمره میل کمتری به مشارکت داشته باشند. علاوه بر این برای قضاوت دقیق‌تر در مورد رابطه یا عدم رابطه به نمونه جامعه آماری متنوع‌تری در مکان‌های مختلف نیاز است. با این وجود نتیجه پژوهش حاضر مبین این است که بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد و به نظر می‌آید بی‌تفاوتی سیاسی در بین همه گروه‌های سنی وجود دارد. فرضیه دیگر پژوهش مبنی بر رابطه بین دینداری و بی‌تفاوتی سیاسی نیز تایید شد. تمام ابعاد متغیر دینداری با بی‌تفاوتی سیاسی رابطه منفی و معناداری داشتند. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴)، ایمان و مقدس (۱۳۸۱)، محبی و همکاران (۲۰۱۶)، باقریان و خوش‌فر (۲۰۱۷) و دریسکیل و همکاران (۲۰۰۸) همسو و نتایج آنان را تأیید می‌کند. در مورد رابطه دینداری و بی‌تفاوتی سیاسی می‌توان گفت به طور کل دین و مذهب عاملی نیرومند در ایجاد باورها و اعتقادهای افراد عمل می‌کند و پیروی از این مجموعه آموزه‌ها لازم و ضروری است. به باور دورکیم دین و مذهب می‌تواند به‌مثابه نیرویی انسجام‌بخش عمل نماید. کارکردگرایان نیز برای دین کارکرد انسجام‌بخشی قایل بودند. بخشی زیادی از این انسجام در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. افراد مطابق باورهای دینی خود عمل می‌کنند و بخشی از باورهای دینی در بیشتر ادیان مشارکت و فعالیت در زندگی در بعد فردی و جمعی است. بنابراین شرکت در امورات سیاسی و اجتماعی نیز در

همین مقوله است. به طور مختصر دینداری، افراد را به شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به منزله انجام بخشی از بعد دینداری (مناسکی) سوق می‌دهد که انجام و یا عدم آن مطابق آموزه‌های دینی با خرسندی و یا سرزنش فرد همراه است. برای مثال در کشورمان نیز شرکت در امورات سیاسی به ویژه انتخاب به عنوان تکلیف شرعی و دینی از سوی بزرگان دین محسوب می‌شود لذا می‌توان نتیجه گرفت که دینداری نیرویی برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌کند و هرچه دینداری بیشتر باشد انتظار مشارکت بیشتر داشت. نتیجه فرضیه رابطه بین گرایش به هویت ملی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز حاکی از رابطه معناداری بود. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های قاضی‌زاده و کیانپور (۱۳۹۴) (و حسنی (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت هویت ملی احساس تعلق به وطن و سرزمین و تاریخ خود است. هرگاه این حس در افراد بیشتر باشد احساس غرور و تعصب به هویت آنان افزایش پیدا می‌کند همین می‌تواند به درگیری و فعالیت بیشتر فرد در امرات سیاسی و اجتماعی منجر شود. نمونه بارز آن را می‌توان دفاع از آب و خاک کشور در طول جنگ تحمیلی مشاهده کرد در واقع حس وطن دوستی و دفاع از هویت ملی به نوعی انگیختن افراد به دفاع از هویت کشور منجر شد که می‌توان همین را در قالب مشارکت سیاسی در بعد دفاعی و رزمی دانست. لذا می‌توان نتیجه گرفت هویت ملی می‌تواند افراد را نسبت به امورات و سرنوشت کشور خود حساس تر و فعال تر نماید. نتیجه فرضیه رابطه بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان نیز تأیید شد. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی با یافته‌های پژوهش‌های پاپستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶)، حبیب پور گتایی و همکاران (۱۳۹۵)، نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) و رفعت جاه و رحیمی (۱۳۹۴) همسو و همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت اعتماد اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین محورهای پیوند اجتماعی است که افراد را به دور هم به واسطه نیازهای متقابل گرد می‌آورد. می‌توان گفت چنانچه اعتماد شهروندان به دولت‌مردان زیاد باشد میزان مشارکت افزایش و عکس آن نیز صادق است. اعتماد مستلزم این باور است که دولت‌مردان قابل اعتماد هستند و به نیازهای شهروندان توجه می‌نمایند در چنین شرایطی می‌توان انتظار مشارکت سیاسی بیشتر را شاهد بود اما چنانچه شهروندان احساس نمایند اعتماد یک طرفه است و پاسخ متقابلی در پی ندارد ممکن است به تدریج از میزان توجه به امورات سیاسی و مشارکت آنان کاسته شود. نتیجه فرضیه بعدی مبنی بر وجود رابطه بین احساس عدالت اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تأیید شد. این یافته با نتایج تحقیقات پاپستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶)، نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) و حسنی (۱۳۸۹) همسوست. هانتینگتون معتقد بود با کاهش بی‌عدالتی اجتماعی و افزایش رفاه اجتماعی (رضایت از زندگی) تعلق سیاسی مردم نیز افزایش می‌یابد و افزایش بی‌عدالتی کاهش مشارکت شهروندان را در پی خواهد داشت (Huntington, ۲۰۱۰). بنابراین عدالت زمینه‌ای فراهم می‌کند که افراد خود را سهیم در قدرت و تصمیم‌گیری بدانند و از این رو برای حفظ سهم قدرت خود در امورات سیاسی مشارکت سیاسی نمایند.

در نهایت نتیجه فرضیه وجود رابطه بین رضایت از کیفیت زندگی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز رابطه نیز تأیید شد. در پژوهش‌های پاپستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶) رفعت جاه و رحیمی (۱۳۹۴) نیز چنین یافته‌ای مشاهده می‌شود که نتایج پژوهش حاضر

نیز آنان را تایید می‌کند. در تحلیل این یافته باید گفت کیفیت زندگی به نگرش فرد از چگونه زیستن مربوط می‌شود به طور کل کیفیت زندگی می‌تواند امری نسبی و از جامعه به جامعه دیگر متفاوت باشد. لیپست معتقد بود با افزایش سطح توسعه اقتصادی (افزایش کیفیت زندگی)، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می‌شود؛ دسترسی همگان به بهداشت و آموزش بیشتر می‌شود و سطح برابری در مصرف (عدالت اجتماعی) افزایش می‌یابد (Chalabi, ۲۰۱۰).

کشورها از نظر شاخص‌های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که میزان کیفیت زندگی آنان را رقم می‌زند و همبستگی موجود بین توسعه سیاسی و اقتصادی به همین مربوط است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت چنانچه کیفیت زندگی شهروندان مثبت ارزیابی شود برای حفظ و ارتقای این سطح زندگی شهروندان نسبت به امورات سیاسی و مشارکت تلاش بیشتری خواهند کرد. روی هم رفته پژوهش حاضر به بررسی برخی از مهمترین عوامل اثرگذار بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز پرداخت. تمام فرضیات پژوهش به جز سن رابطه معناداری با بی‌تفاوتی سیاسی داشتند. اگرچه نتایج پژوهش حاضر در یک شهر به خاطر محدودیت زمانی و مالی محقق انجام گرفته و از این نظر با محدودیت روبه روست اما نتایج پژوهش می‌تواند مورد توجه باشد. ابتدا پیشنهاد می‌شود محققان آینده پژوهشی ترکیبی با رویکرد کیفی - کمی انجام دهند. پژوهش نشان داد بین دین‌داری و بی‌تفاوتی سیاسی ارتباط وجود دارد، بنابراین تدوین سیاست‌های فرهنگی و تبلیغی و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط دو اقدام اساسی در بحث ساماندهی نظام تبلیغی کشور است که نیازمند تمهیدات هماهنگی است. پیشنهاد بعدی این است که تلاش شود تا سطح اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش یابد. برای این منظور یکی از راه‌های مناسب در این زمینه عبارت است از اینکه مسئولین در حد امکان به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند، عمل نمایند که این امر باعث بهبود سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌گردد. اعتماد اجتماعی بالا نتایج مفیدی برای جامعه دارد. از یک سو انگیزه مردم را برای مشارکت در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و همچنین رویدادهای سیاسی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر به توسعه و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی که نقش بسزایی در کاهش بی‌تفاوتی سیاسی افراد ایفاء می‌کند منجر می‌شود. پیشنهاد بعدی در راستای عدالت اجتماعی این است که منابع درآمدی هر شهر به نسبت در آن شهر و بین شهروندان آن منطقه صرف کارهای عمرانی شود. این اقدام می‌تواند به توزیع عادلانه عدالت و در نتیجه افزایش حس عدالت منجر شود که می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان بینجامد.

منابع

کتاب‌ها

آلموند، گابریل؛ پاول، بینگهام. (۱۳۸۰). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی .

پای، لوسین و دیگران. (۱۳۸۰) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی .

توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی دینی، تهران: نشر سخن.

توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک جامعه، دانشگاه تهران: موسسه انتشارات .

چلبی، مسعود. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی .

راش، مایکل. (۱۳۹۰). جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت .

ربیعی، علی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی تحولات ارزشی، نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه .

رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان، تهران: آستان قدس رضوی .

درک توسعه سیاسی. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران. (۱۳۸۹). هانتینگتون، ساموئل و واینر، مایرون، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی .

قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۰). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.

همیلتون، ملکم. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی دین. (مترجم. محسن ثلاثی). تهران: تبیان.

مقالات

ایمان، محمدتقی؛ مقدس، علی اصغر. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز»، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۳۵(۳-۴)، ۷۵-۹۵.

باقریان، مصطفی؛ خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۴(۷۶)، ۱۷۵-۲۱۲.

بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). «بی‌تفاوتی اجتماعی»، ماهنامه ایران فردا، شماره ۱۱.

پناهی، محمدحسین؛ یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۳). «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی»، فصلنامه علوم اجتماعی. ۱۱(۲۶)، ۶۹-۱۰۷.

تاجی، نگین؛ کشاورز، ریحانه و جوانان، حمید. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی». (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی) کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.

جهانگیری، جهانگیر؛ محمدی، نسرين. (۱۳۹۷). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۷(۱)، ۱۵-۱۲۷.

حبیب پور گتایی، کرم؛ موسوی خورشیدی و سید حمیدرضا. (۱۳۹۵). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم»، مجله رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۲)، ۳۵۹-۳۹۲.

رضاپور، داریوش، گلستانی، علیرضا و حق پرست، کاوه. (۱۳۹۸). «بررسی برخی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر بی‌تفاوتی سیاسی مطالعه موردی: جوانان شهر بوشهر»، سومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

روزنامه همشهری آنلاین. (۱۳۹۸). «پایین‌ترین مشارکت رقم خورد: جدول مقایسه میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم با دوره‌های قبل»، یکشنبه ۴ اسفندماه ۴۸۶۳۱۰.

زارع، بیژن؛ روهنده، مجید. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی مطالعه ای درباب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۶۴-۸۷.

شاطریان، محسن؛ حیدری سورشجانی، رسول. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی شهر برزک)»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۱۰)، ۱۹۱-۲۰۹.

عصر ایران. (۲۰۱۹). «وزارت کشور میزان مشارکت در انتخابات مجلس را به تفکیک استان‌ها اعلام کرد». کد خبر ۷۱۶۵۴۵.

علمی، محمود. (۱۳۸۷). «جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان»، زن و مطالعات خانواده، ۱(۱)، ۱۵۳-۱۷۶.

غفارزاده خویی، پریسا؛ صباغ، صمد. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز». مطالعات جامعه‌شناسی، ۳۶-۲۵.

فرهمنند، مهناز و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن»، ۱۵(۳۳)، ۳۷-۱.

- قاضی‌زاده، هورامان؛ کیانپور، مسعود. (۱۳۹۴). «بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۱)، ۷۸-۵۹.
- لبیبی، محمد مهدی و همکاران. (۱۳۹۷). «اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در شهروندان شهر گرگان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸(۷۰)، ۲۴۰-۲۰۹.
- محبی، سیروس و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در مناطق حاشیه‌نشین شهرها (نمونه مورد مطالعه: مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه). علوم اجتماعی، ۱۰(۳۴)، ۱۴۵-۱۷۲.
- محمدی فر، نجات و دیگران. (۱۳۹۴). «تجزیه و تحلیل نقش کیفیت زندگی بر نوع و میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)». توسعه اجتماعی، ۱۰(۲)، ۱۵۶-۱۲۷.
- دال سیونگ، یو. (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی. تهران: انتشارات خانه سبز.
- Akah, J. N., & Ajah, A. C. (۲۰۲۰). The changing impact of religiosity on agentic political engagement in Nigeria. *Cogent Social Sciences*, ۶ (۱), ۱۷۲۲-۱۷۳۵.
- Allen, N., & Birch, S. (۲۰۱۵). Process preferences and British public opinion: Citizens' judgements about government in an era of anti-politics. *Political Studies*, ۶۳ (۲), ۳۹۰-۴۱۱.
- Arikan, G., & Bloom, P. B. N. (۲۰۱۹). Religion and political protest: A cross-country analysis. *Comparative political studies*, ۵۲ (۲), ۲۴۶-۲۷۶.
- Barkan, Steven. (۱۹۹۹). Race, issue engagement, and political participation. *Race society*. ۱ (۱): ۶۳ - ۷۶.
- Dahl, Viktor and Amnå, Erik and Banaji, Shakuntala and Landberg, Monique and Serek, Jan and Ribeiro, Norberto and Beilmann, Mai and Pavlopoulos, Vassilis and Zani, Bruna (۲۰۱۷) Apathy or alienation? Political passivity among youths across eight European Union countries. *European Journal of Developmental Psychology*, ۱۵ (۳). pp. ۲۸۴-۳۰۱. ISSN ۱۷۴۰-۵۶۲۹
- Driskell, R., Embry, E., & Lyon, L. (۲۰۰۸). Faith and politics: The influence of religious beliefs on political participation. *Social Science Quarterly*, ۸۹ (۲), ۲۹۴-۳۱۴.

- Djupe, P. A., & Grant, J. T. (۲۰۰۱). Religious institutions and political participation in America. *Journal for the Scientific Study of Religion*, ۴۰ (۲), ۳۰۳-۳۱۴.
- Esa, N. B., & Hashim, R. B. (۲۰۱۷). Identifying the influence factors on the intention to vote among youths in rural areas. *Journal of Political Science Public Affairs*, ۵ (۴), ۲۹۲.
- Flavin, P., & Keane, M. J. (۲۰۱۲). Life satisfaction and political participation: Evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies*, ۱۳ (۱), ۶۳-۷۸.
- Henn, M., Weinstein, M., & Hodgkinson, S. (۲۰۰۷). Social capital and political participation: understanding the dynamics of young people's political disengagement in contemporary Britain. *Social Policy and Society*, ۶ (۴), ۴۶۷-۴۷۹
- Kitanova, M. (۲۰۱۹). Youth political participation in the EU: evidence from a cross-national analysis. *Journal of Youth Studies*, ۱-۱۸.
- Lu Min, ZHAO Yan-xia, JIN Yi-duo (۲۰۰۷) Contemporary University Students' Political Indifference Phenomena Analysis and the Countermeasures, *Journal of Hebei Polytechnic University (Social Science Edition)*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی